

# سخنرانی استاد احمد منزوی

بنام خدا و به یاد استاد محمدتقی دانش پژوه

سروران گرامی خانم‌ها، آقایان

جنابان استادان دکتر مهدی محقق، سیدکاظم بجنوردی و استاد ایرج افشار و دیگر استادان حاضر.

می‌خواستم ضمن سپاسگزاری از سرورانم، که مهربانی کرده در این شب سرد پاییزی و ترافیک شهر و هوای نامساعد به این مجلس حضور یافته‌اند، این را خالصانه عرض کنم این ناچیر هرگز شایستگی بزرگداشت را در خود نمی‌دیدم، بارها خواهش کردم مرا از این مراسم معاف دارند. حُب، لطف استاد دکتر مهدی محقق ریاست محترم هیأت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و جناب آقای دکتر محمدرضا نصیری معاونت ایشان همه کمبودهای مرا نادیده گرفته و این مراسم را با اصرار بر پا کرده‌اند.

این حرمتی است که نه به من ناچیز بلکه به کتاب گذاشته‌اند و این ناچیز را از خادمان کتاب دانسته‌اند. این حرمتی است که به پدرم شادروان حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی و پس از آن به سن و سال من داشتند، به همین اعتبار به خود اجازه داده‌ام این لطف را از حاضران بپذیرم.

من ناچیز در برابر استادان حاضر و غایب نه کتابشناسم نه نسخه‌شناس، هر چه کرده‌ام، در دو دوره ۱۶- ۱۵ ساله در خدمت «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» در اسلام آباد بود، و این دوره ۱۲ ساله که در «مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی» در خدمت سیدکاظم بجنوردی هستم و از کمک‌های آنان می‌باشد، هر چه کمبود و لغزش است از من است و هر چه درست است از



● استاد احمد سزوی

همکاری دستیارانم که با عشق و علاقه در این دو مرکز با من همکاری کرده‌اند. من در سخنانم هیچ تعارفی نکرده‌ام. این ناچیز که نمی‌توانستم به تنهایی پیرامون پنجاه و سه هزار نسخه فارسی موجود در پاکستان را در چهارده مجلد معرفی کنم. این کار مرکز تحقیقات در اسلام آباد و یاری مدیران ایران دوست آنجا بوده است.

و یا گردآوری بیش از پانصد هزار برگ از اطلاعات درباره کتاب‌ها و رساله‌های ریز و درشت فارسی، که حاصل آن، این «فهرستواره کتابهای فارسی» است، کار یک تن نیست جز همت بلند جناب آقای بجنوردی مدیر دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، و یاری‌های ایشان، و کمک‌هایی که در برگیرنده در اختیار گذاردن کتابخانه‌ای با بیش از چهار صد هزار کتاب خطی، عکسی، چاپ سنگ و تازه چاپ شده در ایران و بیرون از ایران، نمود کرده است و این دستیاران پژوهشگر جوان و رئیس کتابخانه صدیق و دلسوز آن یعنی جناب آقای عنایت‌الله مجیدی.

کار تدوین و چاپ پانزده مجلد فهرستواره کار من نبود هنر چاپ «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» بوده است که ناشر پنج مجلد از آن است و تداوم انتشار ۶، ۷، ۸ آن کار کیست؟ کار من؟ به سرمایه مرکز دائرةالمعارف بزرگ تالیف و چاپ شده است.»



آری این نشست در تجلیل از آن مدیران و آن همکاران شریف است آن پژوهشگران گمنام



● استاد احمد منزوی لوح تقدیر انجمن را دریافت می‌کند.

پشت پرده است نه این ناچیز.

حُب، آنچه شما در خدمات این ناچیز فرمودید، به جای خود، و اینکه پیش از کمک‌های آن دو «مرکز» مبارک، که این ناچیز را یاری کردند، و اینکه از ۱۳۳۵ خ که نخستین تولید فرهنگی ام بود و فراتر از کمک‌های آن مرکز تاکنون بیش از ۶۵ مجلد فهرست، حاصل عمرم بوده است، باز هم بجای خود، اما این ناچیز از کم حاصلی عمرم مینالم و نه از رنج‌ها که در این راه برده‌ام. من از اینکه نزدیک به نیم قرن کار کرده و هنوز در پرورش جانشین‌هایی برای خود کامیاب نبوده و خود را سترون احساس می‌کنم سخت افسرده هستم. این کوتاهی من بوده و یا ساختار فرهنگی کشورمان؟ بد روزگاری است، احساس می‌کنم. زمان مناسب پرورش شاگردان نیست. انگیزه برای تحقیق جوانان نمانده است؛ نه انگیزه مادی و نه انگیزه روحی.

حقوق یک لیسانسیه ادبیات با صد ساعت اضافه کار کفاف کرایه یک اطاق را نمی‌دهد. در گذشته من با حقوق معلمی خانه‌ای می‌خریدم، با حق التالیف هر عنوان کتاب پنج تومان سال به سال زندگی من بهبود می‌یافت. کسانی که دوستار ایران و فرهنگ ایرانی بودند و جویای نام و نان که حق هر انسانی است و انگیزه‌ای برای پویایی یک فرهنگ، مجالی برای کار در زمینه دلخواه خود را داشتند.

بد روزگاری است، ارزش‌ها دگرگون شده است. ایران دوستی و دوستار فرهنگ ایرانی بودن،

از یاد رفته و به فراموشی سپرده شده. کسانی که از ملیت ایرانی سخن گفته‌اند مورد بی‌مهری قرار گرفته و می‌گیرند.

چرا بایستی سپاسگزار باشیم - در میانه دهه پنجاه و شصت به موفقیت‌هایی دست یافتیم. آن نیز در بیرون از «ام القراء ایران»، یعنی در پاکستان بود که موفق شدم چند تن را به ایران‌شناسی و بخش فهرست‌نویسی بکشانم.

دکتر سیدعارف نوشاهی، خانم دکتر انجم حمید، سیدخضر عباس نوشاهی، جایشان خالی است، دکتر سیدعارف نوشاهی اکنون یکی از شخصیت‌های شناخته شده در فهرست‌نگاری و کتاب‌شناسی در پاکستان، بلکه مرد سرشناس در زمینه ایران‌شناسی و در قلمرو پژوهش‌های ایرانی شده است و می‌باشند او دیگر استاد من است و نه شاگرد من.

سیدخضر عباس نوشاهی، وابسته به گروه نواحیان است که خاندان ایشان پانصد سال، پشت در پشت از پاسداران زبان فارسی در شبه قاره بوده‌اند. ایشان نیز تاکنون چندین مجلد «فهرست» از نسخه‌های خطی به فارسی و زبان اردو در پاکستان منتشر کرده‌اند:

سومین عزیزم، خانم دکتر انجم حمید است، که «راهنمای فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی» را در یک مجلد ضخیم بدون حتی یک پول سیاه حق التالیف، در ۱۳۷۷ خ، ۹۳۶ ص، نگاشته و از سوی «مرکز تحقیقات فارسی ایران» در اسلام آباد چاپ و پخش شده است. می‌دانید مزد این خانم دکتر دانشمند چه بوده است؟ پس از ۱۲ سال کار صادقانه شبانه‌روزی، کار اداری خود را در آن «مرکز تحقیقات» از دست می‌دهد. به چه دلیل: به همان دلیل که دکتر سید عارف نوشاهی‌ها کار خود را در آن مرکز از دست دادند. به چه دلیل به همان دلیل که منزوی هم یکی دو سال پیش از آنان کار خود را در آنجا رها کرده به تهران برگشته است. به همان دلیل که در همایش بزرگداشت سی‌امین سال برپایی «مرکز تحقیقات فارسی ایران» در اسلام آباد از این خدمتگزار که بیش از پانزده سال در آن مرکز، شبانه‌روز، از نوروز و عاشورا، تا جمعه و یکشنبه در زیر زمین آن مرکز... و پس از گشایش و بهبود اوضاع در یکی از اطاق‌های درون کتابخانه که همیشه پر از گرد و خاک و مواد شیمیایی ضد حشرات بوده زیسته، دعوت نکرده‌اند. اینکه می‌گویم نوروز و عاشورا، گواه از حاضران دارم، اینکه می‌گویم در زیرزمین گواه دارم، این است که می‌گویم: بد روزگاری است، ارزش‌ها ضد ارزش شده است.